

# محبت، رهاورد معرفت



علی اقلیدی نژاد

می باشند تا فردا این میراث گرانمایه را میراث دار باشند. محرم، صفر، عاشورا و ... همگی ریشه‌هایی عمیق در فرهنگ شیعه دارند؛ اما دریغ آنجاست که این فرهنگ ریشه‌دار با تمامی ژرفایش آن چنان که باید مورد شناخت و معرفت حقیقی قرار نگرفته است. عاشورا و سوگواری آن اگرچه شوری هزارساله را برانگیخته است و خود مبدأ جوششهای انقلابی پرثمر بوده است، اما همچنان در میان بسیاری از مردم به مثابه دریایی بی‌کران می‌ماند که عمقی به اندازه یک بندانگشت دارد. هنوز که هنوز است شور و سوز

هر ساله شیعیان با غروب آخرین روز ذی حجة، غمی سنگین را بر دل احساس می‌کنند. از دور نوای عاشورا به گوششان می‌رسد و با شوری بسیار به سوی هیئتها و حسینیه‌ها روان می‌شوند تا در سیلاب اشک و آه و عشق، جان خود را شستشو دهند. دستها بر سینه‌ها می‌خورد و زنجیرها شلاق‌وار بر کتفها فرود می‌آید تا نمادی از همدردی با شلاق خوردگان و عزاداران آن روزگار باشد. کودکان دست در دست پدرانشان، و نوزادان شیرنوشان در آغوش مادرانشان شاهدانی بر این مراسم

عاشورایی شیعه به شعوری نینوایی تبدیل نگشته است؛ شعوری که اطاعت می‌آفریند و تسلیم را ثمر می‌دهد؛ شعوری که حماسه‌ها را رقم می‌زند و در شوری پرجذبه سبقت برای در آغوش گرفتن تیغها و نیزه‌ها را می‌آفریند. نینواییان منطقها و مصلحتهای ظاهری را می‌شکنند و در اوج معرفت با خون محبتنامه‌های خویش را امضاء می‌کنند. خود به قضاوت بنشینیم؛ چه فاصله‌ای است بین این شور امروزی و آن شور عاشورایی؟ چه تفاوتی است بین آن شعور حسینی که تا سبقت به سوی تیغ پیش می‌رود و این شعور امروزی که به بهانه اشکی و سینه‌ای، بسیاری از گناهان را کوچک نشان می‌دهد.

از اینرو، مقاله حاضر در پی آن است تا جایگاه معرفت را بار دیگر باز شناسد و رابطه‌اش را با محبت بازگو نماید، اگر چه خویشتن را در محاصره اختصار می‌بیند و تاز یانه قلم را بسته.

#### معرفت

در روایات اسلامی معرفت معانی گوناگون یافته است که از جمله،

می‌توان به سه دسته اشاره نمود:  
یکم. معرفت به معنای بینش و آگاهی: در این دسته معرفت یک آگاهی جامع است و در همه تلاشها می‌بایست به آن بها داد. مولای موحدان در همین رابطه به کمیل می‌فرماید: «يَا كَمِيلُ، مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَانْت مُنْتَاجٍ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ؛<sup>۱</sup> ای کمیل هیچ جنبش و حرکتی نیست، مگر آنکه در [انجام] آن به آگاهی و معرفت نیازمند می‌باشی».

دوم. معرفت به معنای شناسایی: شاید بتوان حدیث معروف «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً»<sup>۲</sup> را در همین دسته قرار داد؛ چرا که مضمون روایت حاکی از لزوم شناسایی امام است. در واقع، این گونه احادیث تنها بر جنبه‌ای انگیزشی تکیه دارند و شناختن امام و پیشوای حقیقی امت و بیعت با او را از جمله لوازم مسلمانی می‌دانند. اما اینکه بتوان این گونه روایات را به جنبه‌های عمیق معرفتی نیز سرایت داد، بعید به نظر

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۶۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۶.

می‌رسد.

**سوم.** معرفت به معنای شناخت عمیق: معرفت به این معنا بیشتر در زیارات مورد توجه قرار گرفته است. الف. عرفان و شناخت خود ائمه مورد تأکید قرار می‌گیرد و سپس به حقوق امامان توجه می‌گردد، مانند آنچه در زیارت جامعه کبیره می‌آید: «أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَ بِحَقِّهِمْ وَ فِي زُمْرَةِ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ»<sup>۱</sup> [خدایا] از تو می‌خواهم تا مرا در زمره دانایان نسبت به آنان و حقوقشان و در جمع رحمت شده‌ها به شفاعت آنان قرار دهی.»

که حق او را می‌شناسد، گناهان گذشته و آینده‌اش بخشیده می‌شود.» باری، آنچه در این دو گروه از روایات به عنوان پایه مطرح می‌شود، شناخت است؛ اگر چه می‌بایست اعتراف نمود در گروه اول با گذر از شناخت اولیه، عرفان ائمه ناظر به شناخت راه، روش و هدف آنان است. بی‌گمان با این شناخت - که از جمله وظایف يك مؤمن به حساب می‌آید - می‌توان گام در مرحله بعدی، یعنی شناخت حقوق گذارد و با عمل به آن حقوق، راه کمال الی الله را طی نمود.

#### حقوق ائمه

اما پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که حقوق ائمه علیهم‌السلام چیست؟ به تعبیری پس از شناخت راه، منش و بینش ائمه علیهم‌السلام، آنان چه حقوقی بر گردن مؤمنان و پیروان خویش دارند؟

البته بدیهی است که تعبیر حق دلالت بر آن دارد که این حقوق پس از

ب. تنها شناخت حقوق آنان مورد توجه است. این گروه را می‌توان در میان انبوه روایاتی جستجو کرد که جنبه انگیزشی داشته، ثوابهای مطرح شده، غالباً مشروط به شناخت حقوق آنان می‌گردد، مانند آنچه در مورد زیارت قبور ائمه از جمله سید الشهداء می‌خوانیم. که امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «مَنْ آتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَارِفًا بِحَقِّهِ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ»<sup>۲</sup> هر کس به زیارت قبر حسین علیه‌السلام بیاید در حالی

۱. تهذیب، ج ۶، ص ۱۰۱؛ بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۳۴.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۱۸.

شناخت آنها قابل بازخواست است. از همین رو است که شیعه ناچار به گردن نهادن و پاسخ‌گویی است. اما در مورد پاسخ به پرسشهای اولیه باید بار دیگر به سراغ آیات و روایات برویم.

#### الف. حق دوستی

در این باره می‌توان به آیه مودت اشاره کرد: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»؛ «[ای رسول خدا] بگو من از شما اجر رسالت جز این نخواهم که به خویشاوندانم محبت و مودت بورزید.» اما نکته سزاوار اشاره آن است که اگر چه دوستی اهل بیت در بسیاری از نوشته‌ها به عنوان یکی از حقوق دانسته شده است، اما باید دانست که دوست داشتن نمی‌تواند به عنوان يك تکلیف به مانند دیگر تکالیف درخواست شود؛ زیرا دوستداری صفتی نفسانی است. از اینرو، درست‌تر آن است که محبت یکی از رهاوردهای معرفت به شمار آید؛ به این معنا که پس از شناخت کمالات ائمه، این صفت در شخص ایجاد خواهد شد. البته ممکن است پس از شناخت نیز محبت حاصل

نگردد؛ مثل بسیاری از کفار و منافقین که پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام را می‌شناختند و فضایل آنان را کاملاً می‌دانستند و هیچ محبتی نیز نداشتند و گاه کینه‌ای عمیق از آنان در دل داشتند. ولی برای محبت راهی جز معرفت نیست. به این لحاظ محبت را می‌توان حقی دانست که از پی معرفت می‌آید و سپس جلوه‌های عملی می‌یابد. شاید به همین خاطر بتوان آیات و روایاتی را که در مورد مودت اهل بیت علیهم السلام می‌باشد مرتبط با جلوه‌های رفتاری محبت دانست. بنابراین، رفتارهای حاکی از محبت نسبت به اهل بیت از جمله حقوق آنان نسبت به پیروانشان محسوب می‌شود.

از این رو، احترام و رعایت ادب نسبت به پیامبر و همچنین ائمه نیز از مصادیق همین جلوه‌ها به شمار می‌رود.

قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُغْضُونَ أَعْيُنَهُمْ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ فَلَتَوَسَّوْا لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا

مرحله بالاتر، یعنی تسلیم پیش خواهد رفت.

### ج. الگوپذیری

از دیگر حقوق و انتظاراتی که عنایت امامان معصوم علیهم السلام را در پی دارد، الگو پذیری است، قرآن کریم به صراحت به این نکته اشاره کرده است و رسول خدا صلی الله علیه و آله را الگویی ارزنده دانسته، می فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»<sup>۱</sup> «مسلماناً برای شما در [زندگی] رسول خدا سرمشق و الگویی نیکو بود.» بر همین مبنا می توان نتیجه گرفت از آنجا که ائمه جانشینان پیامبر می باشند، آنان نیز الگو و سرمشق به شمار می روند. اما در این راه قرآن به پیروان و الگوپذیران نیز اشاره ای ظریف دارد و می فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ

عَظِيمًا»<sup>۲</sup> «آنها که صدای خود را نزد رسول خدا پایین می آورند، همان کسانی اند که خداوند دلهایشان را برای تقوا امتحان نموده و برای آنان آمرزش و پاداش عظیمی است.»

### ب. اطاعت و فرمانبری

پس از عبور از مراحل معرفتی و صعود به مرحله محبت و جلوه های رفتاری آن می توان گام در راه اطاعت و فرمانبری گذارد. آن گاه که بدانیم اطاعت از معصومان دنباله فرمانبرداری از خداوند تبارک و تعالی و فرستاده مکرم او است و ائمه مظاهر و جلوه های صفات ربّانی و اولیای او هستند، می توان این حق را نیز به مقام اجابت رساند؛ چرا که مشمول این آیه مبارکه می باشند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»<sup>۳</sup> «ای کسانی که ایمان آورده اید، اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر (اوصیای پیامبر) را.»<sup>۳</sup>

البته، پیرو در مرحله اطاعت متوقف نخواهد شد، بلکه با طی مراحل کمالی از اطاعت گذشته تا

۱. حجرات / ۳.

۲. نساء / ۵۹.

۳. مفسران شیعه و برخی مفسران اهل سنت اولو الامر را به امامان تفسیر کرده اند، از جمله می توان به گفتار ابو حیان اندلسی در تفسیر بحر المحیط اشاره کرد.

۴. احزاب / ۲۱.

يَزُجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهُ كَثِيرًا<sup>۱</sup>؛  
 «مسئلاً برای شما در زندگی رسول  
 خدا الگویی ارزنده بود، برای آنان که  
 امید به رحمت خدا و روز رستاخیز  
 دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.» در  
 واقع، قرآن کریم الگوبرداران حقیقی  
 را دارای سه ویژگی مهم می‌داند:

۱. به خداوند امید داشته، مبدأ  
 هستی را می‌شناسند.

۲. معاد را شناخته و به آن روزگار  
 چشم انتظار و امید دوخته‌اند.

۳. همواره به یاد خداوند هستند.

به راستی نیز که چنین باید باشد؛  
 زیرا الگوبرداری میوه دو نهال معرفت  
 و محبت است؛ اما این میوه بدون  
 آفتاب درخشنده «امید و انتظار» به  
 مرحله بهره‌برداری نمی‌رسد و در  
 جوهره خود هنوز رنگی از ناپختگی و  
 سختی دارد. حتی پس از امید نیز  
 نمی‌توان در این راه بی‌محابا گام  
 برداشت؛ چرا که دشواریها یکی پس از  
 دیگری ممکن است خورشید امید را  
 به غروب ناامیدی ببرد. اما در اینجا تنها  
 یاد و ذکر خالق و گرداننده امور است  
 که می‌تواند بر این غروب نامبارک

پیروز گشته، ابرهای تیره یأس را به  
 کنار زند و سالک را در مسیر الگوگیری  
 یاری رساند. فقط در این مراحل است  
 که شیعه می‌تواند از عمق جان ترانه  
 عاشورا را بسراید و زمزمه کند: «اللَّهُمَّ  
 اجْعَلْ مَخْيَايَ مَخْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ  
 مَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ<sup>۲</sup>»  
 پروردگارا، زندگی و مرگم را همچون  
 زندگی و مرگ محمد و خاندانش قرار ده.

یا در جای دیگر بتواند در رزمگاه  
 آخر ادعای دادستانی کند و به همراه  
 منصور اهل بیت علیهم‌السلام خون خواهی کند  
 و بخواند: «فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَ  
 أَكْرَمَنِي أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ  
 مِنْ أَهْلِ نَبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ<sup>۳</sup>؛ از خدایی که  
 مقام تو را بزرگ داشت و مرا [به واسطه  
 دوستی تو] کرامت بخشید،  
 درخواست می‌کنم که خون خواهی تو  
 را با امام یاری شده از اهل بیت  
 پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روزی‌ام گرداند.»

و یا در جایی دیگر ادعایی  
 گرانسنگ نماید و بگوید: «إِنِّي سَلِمٌ لِمَنْ

۱. همان.

۲. زیارت عاشورا.

۳. همان.

می‌گیرد که محبت از سوی برخی دینداران به بهانه ایجاد روح امید به شکلی افراطی در بدنه فرهنگی جامعه تزریق می‌گردد. بسا مداحان، مبلغان و افرادی که با غفلت و به دور از همه جانبه‌نگری بر طبل عشق و محبت به اهل بیت علیهم‌السلام می‌کوبند، بدون آنکه این گونه روایات مطلق را در کنار دیگر روایات مقید و مشروط بنشانند تا نتیجه‌ای منطقی به دست آورند.

گونه‌شناسی روایات دوستداری

#### اهل بیت علیهم‌السلام

این روایات به دو گروه کلی

تقسیم می‌گردند:

گروه اول: روایاتی می‌باشند که به صورت مطلق و فراگیر بر دوستداری اهل بیت تأکید می‌کنند و آن را شرط کافی برای رسیدن به انواع ثوابها و بخشش گناهان می‌شمارند که از باب نمونه به برخی اشاره می‌نماییم:

۱. قال رسول الله: «حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ يُخْرِقُ الذُّنُوبَ كَمَا تُخْرِقُ النَّارُ الْخَطْبَ»<sup>۲</sup> محبت علی بن ابی طالب گناهان را می‌سوزاند، همان گونه که

۱. همان.

۲. بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۲۶۶.

ای جابر! سلام مرا به  
شیعیانم برسان و به آنان  
اعلام کن که میان ما و خدای  
عزوجل خویشاوندی نیست  
و کسی جز با اطاعت و بندگی  
به او تقرب نمی‌یابد.

سَأَلْتَكُمْ وَحَزْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَوَلِيٌّ لِمَنْ  
وَالَأَكْمَ وَعَدُوٌّ لِمَنْ غَادَاكُمْ؛<sup>۱</sup> من در صلح  
هستم با کسی که با شما در صلح است  
و در ستیزم با کسی که با شما در ستیز  
است و دوستم با دوستان شما و دشمنم  
با دشمنان شما.

#### معرفت، محبت و اطاعت

یکی از مشکلات امروزی در فرهنگ عمومی ارتباط با ائمه، عدم توازن مناسب بین معرفت و محبت است. همین امر باعث تأکید بر محبت گردیده، سوء تفاهمهایی را به وجود می‌آورد.

مسئله زمانی شکل حادثتر به خود

آتش هیزم را می سوزاند.»

۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: «مَنْ أَحَبَّنَا وَ لَقِيَ اللَّهَ وَ عَلَيْهِ مِثْلُ زَبَدِ الْبَحْرِ ذُنُوبًا كُنَّ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ؛ هر کس ما را دوست بدارد و خدا را دیدار کند، در حالی که به قدر کف دریا دارای گناه باشد، بر خدا حق است که او را بیامرزد.»

گروه دوم: روایاتی می باشند که حب اهل بیت علیهم السلام را شرط لازم اما ناکافی می شمارند. این دسته از روایات مسئله نجات بخشی حب اهل بیت را مشروط به موارد زیر می سازند:

۱. حب اهل بیت می بایست در کنار دیگر عبادات قرار گیرد و رابطه ای متوازن میان محبت، عبادت و اطاعت برقرار شود. امام رضا علیه السلام در این باره می فرمایند: «لَا تَدْعُوا الْعَمَلِ الصَّالِحِ وَالْإِحْتِمَادَ فِي الْعِبَادَةِ إِتْكَالًا عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَدْعُوا حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَالتَّسْلِيمَ لِأَمْرِهِمْ إِتْكَالًا عَلَى الْعِبَادَةِ، فَإِنَّهُ لَا يُقْبَلُ أَحَدُهُمَا دُونَ الْآخَرِ؛<sup>۲</sup> نه عمل صالح و تلاش در عبادت را به اتکای محبت اهل بیت رها کنید و نه محبت و دوستی اهل بیت و تسلیم آنان بودن را با تکیه

بر عبادت؛ زیرا هیچ کدام بدون دیگری پذیرفته نمی شود.»

۲. حب اهل بیت بر اساس منافع شخصی و دنیوی نباشد. امام صادق علیه السلام بر همین مبنا می فرماید: «مَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ وَ أَحَبَّ مُحِبَّنَا لِأَلْفَرَضِ دُنْيَا يُصِيبُهَا مِنْهُ وَ عَادَى عَدُوَّنَا لِإِخْتِنَانَتْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهُ ثُمَّ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ عَلَيْهِ مِنَ الذُّنُوبِ مِثْلُ رَمْلِ عَالِيحِ وَ زَبَدِ الْبَحْرِ غَفَرَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ؛<sup>۳</sup> هر کس ما را دوستدار ما را دوست بدارد، نه برای اینکه از این راه به بهره ای دنیوی برسد و با دشمن ما دشمنی کند، نه به خاطر کینه ای که (از جهات شخصی و دنیوی) نسبت به او در دل دارد؛ آن گاه این چنین فردی در روز قیامت بیاید، در حالی که به قدر شنهای مترکم صحرا و کف دریا دارای گناه باشد، خداوند تعالی او را می آمرزد.»

۳. نجات بخشی ارتباط محبانه با اهل بیت علیهم السلام محدود به گناهانی است که در آن اصرار بر گناه و ظلم به مؤمنین نباشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره

۱. ج ۲۷، ص ۱۲۱.

۲. فقه الرضا، ص ۳۳۸.

۳. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۵۴.



## شور و شعور، هر دو مکمل یکدیگرند؛ اما آنچه شوری حقیقی را نتیجه می‌دهد، جز شعور نیست.

عزوجل خوشاوندی نیست و کسی جز با اطاعت و بندگی به او تقرب نمی‌یابد. ای جابر! هر که خدا را فرمان ببرد و ما را دوست بدارد، دوست ما است و هر که نافرمانی خدا کند، محبت ما به حالش سودی ندارد.»

### سخن آخر

با تأمل در آنچه گفته شد، می‌توان دریافت که شور و شعور، هر دو مکمل یکدیگرند؛ اما آنچه شوری حقیقی را نتیجه می‌دهد، جز شعور نیست. بنابراین، با معرفت و رابطه‌ای عارفانه است که می‌توان گام در راهی چنین عاشقانه گذاشت.

می‌فرماید: «حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يُكَفِّرُ الذُّنُوبَ وَ يُضَاعَفُ الْحَسَنَاتِ وَإِنَّ اللَّهَ لَيَتَحَمَّلُ عَنْ مُحِبِّبِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ مَظَالِمِ الْعِبَادِ إِلَّا مَنْ كَانَ مِنْهُمْ عَلَى إِضْرَارٍ وَ ظَلَمٍ لِلْمُؤْمِنِينَ فَيَقُولُ لِلْسَّيِّئَاتِ كُونِي حَسَنَاتٍ؛<sup>۱</sup> محبت ما خاندان رسالت، گناهان را می‌پوشاند و حسنات را دو چندان می‌سازد و خداوند تعالی از جانب دوستان ما آنچه را از مظالم بندگان بر ذمه آنهاست بر عهده می‌گیرد، به استثنای اعمالی که با اصرار و به عنوان ستم بر مؤمنین انجام شده باشد، آن گاه به گناهان می‌گوید: تبدیل به حسنات شوید.»

۴. محبت بهانه‌ای برای معصیت نباشد. روایت امام باقر علیه السلام در این زمینه بسیار جالب توجه است. آن حضرت می‌فرماید: «يَا جَابِرُ! بَلِّغْ شِيعَتِي عَنِّي السَّلَامَ وَ أَعْلِمِهِمْ أَنَّهُ لَا قَرَابَةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا يَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ لَهُ، يَا جَابِرُ! مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ أَحَبَّنَا فَهُوَ وَلِيُّنَا وَ مَنْ عَصَى اللَّهَ لَمْ يَسْتَفَعُ حُبَّنَا؛<sup>۲</sup> ای جابر! سلام مرا به شیعیانم برسان و به آنان اعلام کن که میان ما و خدای

۱. ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۵۳.

۲. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۷۹.